



همبستگی هفتگی ۵۹

۲۱ تیرماه ۱۳۸۱
۱۲ ژوئیه ۲۰۰۲

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

ژوبین عزیزم درگذشت



کابوس هولناک بوقوع پیوست. امروز پنجشنبه ۴ ژوئیه، همسر عزیزم، عشق زندگیم، ژوبین (منصور حکمت) در آرامش کامل، در کنار خانواده‌اش جان سپرد. یک زندگی کوتاه ولی پر بار و پر ثمر. جای خالیش را برای همیشه در کنارمان، در قلبهایمان، در زندگی هر روزمان، در مبارزه‌مان برای برابری و آزادی احساس خواهیم کرد. آذر ماجدی

مراسم بزرگداشت منصور حکمت (ژوبین رازانی)

قابل توجه عموم
به اطلاع میرسانیم که مراسم بزرگداشت منصور حکمت (ژوبین) از طرف آذر ماجدی همسر منصور حکمت، حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری ایران، بعد از ظهر روز ۲۸ جولای در لندن (انگلستان) برگزار میشود. ساعت و مکان مراسم متعاقباً به اطلاع عموم خواهد رسید
هیئت دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
تلفن و آدرس تماس:

0044-781 59 02 237

تلفن:

0044-870 13 51 338

فکس:

markazi@ukonline.co.uk

پست الکترونیکی:

همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سرمدبیر: مهرنوش موسوی

دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582

دکس: 00 358 631 542 53

mehrnousch@aol.com

tavakoli@hotmail.com

همبستگی هفتگی را تکثیر و پخش کنید

صدای همبستگی
در

رادیو انترناسیونال

شنبه ها

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلوهرتز

۹ تا ۹.۴۵ شب به وقت تهران

منصور حکمت چشم و ادراک نسل ما بود!

حمید تقوایی

صفحه ۴

فقدان منصور حکمت و زوزه های کیهان جمهوری اسلامی!

مهرنوش موسوی

صفحه ۳

پاسخ مریم نمازی به

نامه‌های رسیده

صفحه ۲

پاسخ مریم نمازی به نامه های رسیده



بنظرم در این دوره باید به فدراسیون پیوست. باید عضوش شد، باید نشریه اش را بدست تمام آشنایان و دوستان رساند، و باید از این طریق به یک جنگ و تعرض موثر دست زد.

۲- خ. از ایران نوشته است: "هموطن عزیز، سلام. چرا در مورد ۳ جوان ایرانی به اسامی همایون رشیدی، بیگی، علیرضا سلیمانی تبر و محسن عجدانی که در ازبیک ترکیه و یونان ناپدید شدند در زندانها تحقیق نمی کنید؟ ما به کی پناه ببریم؟ وضع مالی مان آنچنان نیست که بتوانیم وکیل بگیریم. ما به شما پناه می بریم اما شما رسیدگی نمی کنید. افلا به خبرگزاریهای ازبیک و یونان و به پلیس اینترپول آن دو کشور که شما امکانات دارید تماس بگیرید و این ۳ خانواده بدبخت را از نگرانی در ایران نجات دهید و یا شماره پلیسهای بین المللی این کشورها را اگر محبت کنید بگیرید و برای ما بفرستید. ممنون می شویم."

مریم نمازی: دوست عزیز، با سلامهای گرم. از اینکه این جوان عزیز ناپدید شده اند واقعا متاسفم. فدراسیون اسامی آنها را در نشریه همبستگی هفتگی منتشر کرده بود. ما امیدوار بودیم با دیدن اسامی آنها، کسانی با ما تماس می گیرند

مثل وکیل از خود دفاع کنند. چهارچوب و پروسه تصمیم گیری سازمان ملل را هم برای شما در سایت اینترنتی فدراسیون ترجمه کردیم. شما میتوانید از آن برای دفاع از خود استفاده کنید. بعد از هر مصاحبه نیز، تمام اطلاعاتی که مطرح کردید و سوالاتی که از شما شده است را در جزئیات بنویسید. چیزهایی که نتوانستید مطرح کنید را بنویسید. هر اطلاعات جدیدی هم بدستتان می رسد را در این دفترچه بنویسید. باید خودتان بهترین و هوشیارترین مدافع خود باشید. همیشه مدرک به نفع خود در این کتابچه جمع کنید - مشکلات با وکیل، اشتباهات مترجم، مدت کوتاه مصاحبه و و. اینها برای نامه فرجام و تقاضای بازگشایی پرونده مهم اند و اینها را در همین پروسه ها مطرح کنید. بعد از مصاحبه اول، تمام اطلاعاتی که نتوانستید مطرح کنید را در یک نامه نفرستید. چون کلا اولین مصاحبه اصولا ردی است و این اطلاعات مبنای ردی می شود و بعد به شما مصاحبه دومی نخواهند داد. سازمان ملل قرار نیست شما را کمک کند. خودتان باید خودتان را کمک کنید.

ت. و اما مهمترین نکته این است که نمی توانید در این دوره به تنهایی از خودتان دفاع کنید. آنها افراد را خرد می کنند، داغان می کنند و ناامید می کنند. بعضی ها در اولین مصاحبه قبول می شوند اما وقتی به این معضل اجتماعی نگاه می کنید باید آن را در سطح اجتماعی و ماکرو بررسی کرد. در کلیت تعداد ناچیزی قبول می شوند و کلا سیاست، سیاست ردی است و اکثرأ رد و دیپورت می شوند و یا قبول و اعزام نمی شوند. نمی شود به تنهایی به جنگ سیاستی رفت.

انسانی این بازجویی آماده کند تا این توهم که گویا اینها نهادی حقوق بشری و انسانی هستند. وقوف به این واقعیت، لااقل تجربه نشان داده است که با آمادگی بیشتری فرد را با واقعیت مواجه می کند. ب. باید به طرق مختلف جلو این سیاست را گرفت. بنظرم خود شما و کلا تمام پناهجویان باید بعد از هر مصاحبه و یا تماس با سازمان ملل در یک دفترچه مخصوص این کار، برخوردها و توهینها و ضرب و شتمهای گاردهای دم در و منشی ها و مترجمها و وکیلهای سازمان ملل را بنویسید. باید علیه اینها مدرک جمع شود تا بشود سیاستشان را تغییر دهیم. کافی نیست بگویید توهین شده است. روزش، تاریخش، اسم کامل افراد و مقامش، و جزئیات توهین و تحقیرش را باید نوشت. آنها را جمع کرد و برای فدراسیون فرستاد. تصور کنید اگر ۱۰۰۰ مورد اینچنینی را مستند کنیم، حتما میتوانیم با استناد به این مدارک سازمان ملل را مجبور به تغییر سیاستش کنیم.

پ. مثل شما، به خیلی ها فرصت اینکه کلیات دلایل فرار را مطرح کنند داده نمی شود. این هم جزئی از سیاست آنهاست. اما در این مورد چکار می شود کرد؟ وقتی به مصاحبه میروید، بخواهید که نوشته های وکیل برای شما بازخوانده شوند، خودتان در طول مصاحبه نکات مهم را بنویسید، اسم کامل مترجم و وکیل را بگیرید، و و. می دانم امکان دارد نگذارند خیلی از این کارها را انجام دهید اما همه پناهجویان باید سعی کنند وکیل و مدافع خود باشند و

کنند که خود آنها "داوطلبانه" برگردند. این سیاست نیز مانع فرار دیگران هم می شود چون کسی دیگر بقبول آنها نخواهد خواست به چنین شرایطی پناه ببرد. راه مقابله با این شرایط را هم بارها گفته ایم، اما بگذارید چند نکته را در این باره مجددا تاکید کنم:

الف. وکیلی که با شما و کلا پناهجویان در ترکیه و کشورهای هم جوار مصاحبه می کند وکیل شما نیست بلکه وکیل خود سازمان ملل یا عبارتی دیگر دادستان سازمان ملل است. هدف اصلی اش این است که سهمیه ردی را بالا ببرد. هر چقدر به شما توهین کند و اجازه ندهد دلایل فرارشان را خوب توضیح دهید، می تواند شما را راحتتر رد کند، به ردی اش حقانیت ببخشد و دلیل ردی را نتیجه کیس تان و نحوه ارائه اش از سوی شما بداند. وکیل سازمان ملل خوب می داند که برای ارائه دلایل حساس مانند فرار، فضایی آرام، عادلانه و غیر جانبدار لازم است و به همین دلیل هم سعی می کند فضای مصاحبه را آنقدر متشنج کند که به نفع سیاست ردی و سازمانش و به ضرر شما و کلا پناهجویان باشد. شما نه اولین کسی هستید که می گوئید مصاحبه ها مانند بازجویی است و نه آخرین. این جزئی از نحوه مصاحبه آنهاست. همانطور که بازجویی زندان از تاکتیکهای متفاوتی استفاده می کند تا فرد را خرد کند، در این مصاحبه هم وکیل سازمان ملل از تاکتیکهای متفاوتی استفاده می کند تا پناهجو را خرد کند. بنظرم برای دفاع از خود، مهم است که هر کسی که برای مصاحبه آماده میشود، خود را با وقوف کامل به شرایط ضد

خالد از ترکیه نوشته است: "۹ ماه است خودم را به سازمان ملل در ترکیه معرفی کردم. یک ماه پیش در آنکارا مصاحبه شدم. وکیل مراد بوده که متاسفانه ایشان بسیار نا محترمانه با من رفتار کردند و به من توهین کردند. به جای مصاحبه از من به محاکمه من پرداخت. من بسیار از مشکلاتم را نتوانستم بیان کنم و مدارک هم داشتم اما آنها را ارائه ندادم و آن مدرک مال همسرم بود از بیمارستان کرمانشاه که بعد از فرار من، همسرم توسط اطلاعات ایران دستگیر شده بود و چون وی را بسیار اذیت کرده بودند، متاسفانه بچه ۴ ماهش را از دست داده بود. من بعد از مصاحبه همان روز نامه اعتراض به دفتر آنکارا نوشتم. وقتی به وان برگشتم به دفتر وان هم گزارش کردم ولی متاسفانه تا حالا هیچ کمکی از طرف سازمان ملل به من نشده است. در ضمن من هنوز جواب نگرفتم. اگر توانستید، مرا راهنمایی کنید. بسیار ممنون می شوم."

مریم نمازی: خالد عزیز، با درودهای گرم. از مشکلاتی که داشتید و دارید واقعا متاسفم. اینکه افراد بیشتری مانند شما مجبور می شوند از شرایط غیرقابل تحمل تحت حاکمیت جمهوری اسلامی فرار کنند و در کشوری که پناه می بردند نیز باز تحقیر و توهین و اذیت و آزار روبرو می شوند واقعا قلب هر انسانی به درد می آید. کلا سیاست دولتها و سازمان ملل این است که با توهین و تحقیر و پروسه طولانی و غیرعادلانه، تحمیل شرایط فلاکت بار و غیره کسانی که نتوانستند فرار و خود را معرفی کنند را رد و دیپورت کنند و یا کاری

فقدان منصور حکمت و زوزه های کیهان جمهوری اسلامی!



مهرنوش موسوی

«ب» کیهان جمهوری اسلامی در گشت منصور حکمت را به بهانه ای برای زوزه کشیدن و دلداری صفوفش بدل کرد.

در روز هفتم جولای در صفحه اول کیهان، خطاب به صفوف در هم پاشیده شان، کف بر دهان، خبر درگشت منصور حکمت را پایکوبان اعلام کرد. کیهان نوشت که: «رقاصان ضد انقلاب بی پدر شدند».

خطاب کیهان، قبل از هر چیز دلداری به یک صف در هم ریخته خودیهایشان بود. صفی که از آخوند بارگاهشان تا مقامات وزارت اطلاعاتش در حال فرار، نوشتن ندامت نامه و استعفا هستند.

صفی که نیروهای لبنانی و حزب الهی سفارشی اش را هم در سالگرد ۱۸ تیر مردم گیر انداخته و به صورتشان تف کرده، فراریشان دادند.

صفی که قبل از آن مردم به حساب ریش و پشم تراشیده ها و لباس شخصی پوشهایشان که جرئت ظاهر شدن در معیت حزب الله را نداشتند، رسیده بودند. صفی که شیخ کمونیسم، منصور حکمت، حزب کمونیست کارگری و قطب سرنگونی طلب و آزادیخواه را بر بالای سر خود و با کابوس سرنگونی

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

منصور حکمت در فقدانش هم به خانه میلیونها نفر رفت. دشمنی کیهان جمهوری اسلامی، درد این صفوف درهم ریخته را درمان نکرد، به عکس خود بدل شد، مردم از زبان کیهان اقرار به درجه نفوذ و اعتبار او را شنیده، او را در ترس و وحشت دشمنانش در قامت یک رهبر سازش ناپیر خود، باز شناختند

کند.

اسامی هیئت دبیران دبیرخانه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

مریم نمازی دبیر فدراسیون، سیامک امجدی، ربیوار عارف، فرشاد حسینی، کیوان جاوید، مهرنوش موسوی، رامین نیاکان و نسرين رمضانعلی

فرم عضویت

من مایل به عضویت در فدراسیون سراسری پناهندگان هستم.

نام و نام خانوادگی

محل سکونت

حق عضویت اعضا ۲۵ پوند در سال

حق عضویت گروهی ۱۰۰ پوند در سال

دفاتر فدراسیون در کشورهای مختلف

استرالیا: ارسال ناظری، تلفن ۰۰۶۱۴۰۱۰۵۴۲۲

آذربایجان: حسن دادبار، تلفن ۰۰۹۹۴۵۰۳۲۴۶۲۵۹

بلژیک: حسین احسان: تلفن ۰۰۳۲۴۷۸۹۰۴۱۶۳

کانادا: سیامک امجدی

دانمارک: محمود قزوینی، تلفن ۰۰۴۵۲۰۴۹۳۰۹۸

انگلیس: سعید آرمان، تلفن ۰۰۴۴۷۹۳۱۸۶۶۹۸۵

فنلاند: امیر توکلی، تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۸۲۱۷۷۶

آلمان: نسرين رمضانعلی، تلفن

۰۰۴۹۱۷۲۵۳۵۰۹۶۶

یونان: سروش ناراسی، تلفن ۰۰۳۱۶۱۹۷۶۶۹۹۸

هند: عباس رضایی و

غفور زرین، تلفن ۰۰۳۱۶۱۹۷۶۶۹۹۸

نروژ: غفار غلاموسی، تلفن ۰۰۴۷۴۰۸۵۱۷۳۸

سوئد: اسماعیل موکودی، تلفن ۰۰۴۶۷۰۴۹۲۰۳۴۹

سوئیس: محمود رهبری، تلفن ۰۰۴۱۷۸۷۹۵۷۵۸۱

ترکیه: مراد شیخ، تلفن ۰۰۳۱۶۱۹۷۶۶۹۹۸

امریکا: افسانه رحیمی، تلفن ۰۰۱۳۱۰۴۱۳۱۵۷۸

از سایت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان دیدن کنید
www.hambastegi.org

جدیدترین اطلاعاتی های فدراسیون، جدیدترین شماره نشریه همبستگی، آخرین اخبار و رویدادهای پناهندگی و مقالات متنوع دیگر را میتوانید مطالعه کنید.

همبستگی انگلیسی و مونیتور را آبنه شوید

(سالانه ۵۰ پوند)

من مایلم همبستگی انگلیسی و ایران مونیتور را آبنه شوم.

نام و نام خانوادگی

آدرس پستی

ای میل

تماس با دبیرخانه مرکزی:

فرشاد حسینی

شماره تلفن: ۰۰۳۱ ۶۱۹ ۷۶۶ ۹۹۸



منصور حکمت چشم و ادراک نسل ما بود!

حمید تقوایی

منصور حکمت دیگر در میان ما نیست. او برای من، و فکر میکنم برای بسیاری که او را از دور و نزدیک میشناختند، مظهر و تجسم زندگی بود. او مظهر حرمت انسانی و انسانیت در جهانی بود که با نفی و نقض این حرمت و بر پایه رنج و فقر و استثمار انسانها پیاپی شده است. او این دنیا را نمیخواست و نمیپرفت. با زبان و قلمش، با حزب و جنبشش، و با مبارزه خستگی ناپذیری که طی ۲۵ سال سازمان داد و به پیش برد، در مقابل این دنیای ضد انسانی بپاخواست. او متفکر انقلابی و مارکسیست ژرف اندیشی بود که جوهر و حقانیت انسانی و رادیکال کمونیسم را به آن بازگرداند و با این پرچم به جنگ جهان سرمایه داری معاصر رفت. آثار و نوشته های او مانیفست و کیفرخواست کارگران سوسیالیست جهان در نقد سرمایه داری امروز و نظرات و تئوریهای مدافع و توجیه گر آن است. نقد ژرف و تیز و برنده منصور حکمت از ورای نظم نوین جهانی، دموکراسی و بازار آزاد، ناسیونالیسم، قوم پرستی، و مذهب سیاسی حقایق این جهان را آشکار و عریان میکرد و در برابر چشمان ما قرار میداد. بدون منصور حکمت دنیای معاصر سیاه تر و تاریک تر میبود. او چشم و ادراک نسل ما بود و ما این افتخار و خوشبختی را داشتیم که در این مبارزه همراه و همسنگر او باشیم. منصور حکمت با نشان دادن حقایق این جهان، با افق و آرمانی که در چشم انداز ما میگاشت و با نبردی که ما را به آن فرا میخواند نه تنها به آینده که به زندگی امروز ما نیز معنا میبخشید. او برای من از خود من عزیز تر بود!

امروز دیگر منصور حکمت در میان ما نیست. او رفت اما دنیایی که میخواست زیر و رو کند هنوز پابرجاست، و امروز وظیفه پیشبرد و به فرجام رساندن مبارزه های که منصور حکمت پرچمدار و رهبرش بود سنگین تر از گشته بر دوش ما قرار گرفته است. منصور حکمت درگشت اما مبارزه برای دنیای بهتری که او نوید میداد زنده است و تا زمانیکه این مبارزه هست منصور حکمت با ماست.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ تیر ۱۳۸۱، ۶ ژوئیه ۲۰۰۲

ادامه

فقدان منصور حکمت و زوزه های کیهان

ای ۲۳ ساله شان، را به مردم و کارگران سراسر دنیا گزارش کنیم. ما ضمانت میکنیم که مردم هرزه نامیدن زنان برای تیغ کشیدن بر روی آنها در این مملکت را بدون مجازات نخواهند گشت. ما ضمانت میکنیم که سران حکومت و پاسداران قلم بدست در کیهان و سایر ورق پاره هایشان را برای ۲۳ سال خفقان و زن ستیزی، ۲۳ سال تحمیل فقر و بی حقوقی، ممنوعیت شادی و

کوبید.

دقایق آخر عمر حکومت، کیهانش را هم دچار دست پاچگی کرده است. این جنبشی نیست که در فقدان منصور حکمت، کیهان و رژیمش دلشان را به فرو خفتن آن خوش کنند. منصور حکمت ۲۳ سال آمدن چنین روزهایی را تدارک دیده است. منصور حکمت در فقدانش هم لرزه مرگ بر اندام چنین مفلوکانی انداخته است. بدبخت حکومتی که دلخوشی دم آخرش زوزه کشیدن به این شیوه است. فرصت زیادی ندارید، در مسجد کیهان را ببندید، خودتان را تحویل مردم دهید.

ادامه

پاسخ مریم نمازی به نامه های رسیده

و ما را در جریان شرایطشان می گذارند. در نامه قبلی ام، من این را به شما اطلاع دادم. متأسفانه کسی با ما تماس نگرفته است. برای تسریع کار این جستجو توصیه میکنیم که با سازمانهایی که به گونه حرفه ای به دنبال گمشدگان میگردند تماس بگیرید. امکانات آنها برای چنین امری بیش از ماست. برای مثال می توانید با صلیب سرخ که در ایران هم دفتر دارد و کلا یکی از کارهایش پیدا کردن افراد می باشد تماس بگیرید. آنها نیز به زندانها دسترسی دارند. ما تلاش خود را به انحاء مختلف برای یافتن این ۳ جوان انجام دادیم. بهررو دوست عزیز، امیدوارم که هر چه سریعتر این عزیزان را پیدا کنید. با آرزوی موفقیت برای شما.

مرگ بر جمهوری اسلامی!